

ایسکرا

۸۲۴

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۵۱۱۲۰۲۵
E-mail: moasangaran@googlemail.com

سردبیر عبدالکبیریان

۴ فروردین ۱۳۹۵، ۲۳ مارس ۲۰۱۶

Tel: ۰۰۴۹۱۶۲۵۰۷۷۶۵۴ تلفن تماس با ما

فدار ایسم کردستان سوریه طرحی برای حل مصائب مردم نیست مصاحبه ایسکرا با محمد آستگران



بگویم که کردستان سوریه و یا دقیقتر بگویم مناطقی که در شمال سوریه بوسیله نیروهای مسلح این منطقه حفاظت میشود تنها منطقه ای در کشور سوریه است که توانسته است در مقابل داعش مبارزه جانانه ای را سازمان بدهد. جنگ قهرمانانه نیروهای مسلح در این منطقه علیه داعش زبان زد خاص و عام است. همچنانکه نیروهای شیشه آنها در کردستان عراق هم علیه داعش محکم ایستادند و توانسته اند داعش را از مناطق زیادی عقب برانند.

بنابر این در دل سناریوی سیاهی که در عراق و سوریه بوسیله جریان‌های اسلامی و قدرتهای جهانی و منطقه ای برپا شده است، این مناطق از

صفحه ۲

ایسکرا: اواسط ماه مارس ۲۰۱۶ در کردستان سوریه نوعی حکومت فدرالی اعلام شده است. با توجه به حاد بودن تحولات در خاورمیانه بویژه در دل بحران سوریه علت اعلام کردن این ساختار در کردستان سوریه و در این شرایط چیست؟

محمد آستگران: قبلاً لازم است

حضور جنایتکارانه جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۴ در کردستان ایران بر اساس آمار!



نسان نودینیان

شروع شده است و تا کنون هم ادامه دارد. اغلب شهرهای کردستان به علت پارازیت از دریافت کانالهای ماهواره محروم شده اند. در شهر سنندج دستگاههای ارسال پارازیت در کوه آبیدر و اداره اطلاعات و در کلاتری ۱۱ و محله تکیه و چمن

صفحه ۵

جمهوری اسلامی ضد ماهواره اینبار دست جنایتکارانه و کثیف خود را با گذاشتن دستکاه های پارازیت در شهر سنندج به نمایش گذاشته است. قبل از انتخابات از سرگیری موج پارازیت بر روی شبکه های ماهواره ای در شهر سنندج از سوی نهادهای امنیتی

تو دهنی مردم ایران به خامنه ای و کل گله آخوند



رحیم یزدانپرست

به حکومتیان نشان داده اند از جمله چهارشنبه سوری و نوروز. حتی مراسمهای دینی دولتی را به حسین پارتی تبدیل میکنند. بیش از سه ده است که با گسیل نیروی بسیج و لباس شخصی و گله حزب الله تلاش کردند تا با زور و سرکوب بگیر و ببند و ممنوع کردن

صفحه ۵

مردم ایران جمهوری اسلامی و فرهنگ عزا و روضه خوانی را نه تنها نخواسته اند و نمیخواهند بر عکس شادی و جشن و سرور را بخشی از زندگی خود میدانند. دنیای شاد و فارغ از هر نوع دست درازی دین، شرع و قانون و دخالت حکومت را میخواهند. این را بارها و در مناسبتهای مختلف

پنج سندیکای فرانسه خواهان آزادی کارگران و معلمان زندانی در ایران هستند

فقط دو روز پس از انتخابات، مقامات ایران اعلام کردند که قصد دارند او را پشت میله های زندان بفرستند.

داود رضوی عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد نیز در ۱۷ فوریه ۲۰۱۶ در دادگاه انقلاب اسلامی تهران به اتهام واهی اقدام علیه امنیت ملی به ۵ سال زندان محکوم شد. ابراهیم مددی معاون

هیئت مدیره سندیکای واحد با همان اتهامات در انتظار محاکمه است.

در ۲۲ فوریه، اسماعیل عبدی عضو انجمن صنفی معلمان تهران به ۶ سال زندان محکوم شد. او به اتهام «تجمع و تبانی برای اخلاف در نظم

صفحه ۵

از اعتدال در سرکوب سندیکالیست ها در ایران خبری نیست

پس از انتخابات اخیر در ایران، مشکلات قبلی هم چنان برجا باقی مانده اند. حکومت روحانی کماکان به سرکوب فعالان جنبش های اجتماعی به ویژه اعضای اتحادیه های کارگری و معلمان ادامه می دهد.

در اوایل ماه مارس، رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، با این که او به خاطر مشکلات سلامتی در مرخصی استعلاجی به سر می برد، بار دیگر به یک سال زندان محکوم می شود.

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



یدی محمودی

کرده "گفتگوهای پارتی و اتحادیه میهنی در این برهه بسیار امیدوار کننده است و تلاش می کنیم این گفتگوها با همه جریان‌های از سر گرفته شود". لازم به ذکر است که حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی خود یکی از بانیان بحران کنونی و تحمیل فقر و فلاکت بی

صفحه ۶

اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دمکرات در باره اختلافات احزاب حاکم! روز بیستم مارس دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان در اطلاعیه ای که به مناسبت نوروز منتشر شده، خواهان از سرگیری مذاکرات احزاب حاکم شده و اعلام

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **فدار الیسم کردستان سوریه..**

شمال عراق و سوریه با اتکا به نیروهای مسلح احزاب حاکم تنها مناطقی هستند که درجه ای از مدنیت و امنیت در آن حفظ شده است. هنگامیکه میگویم امنیت و مدنیت طبعاً به نسبت بقیه مناطق این دو کشور باید مقایسه کرد. نیروهای مسلح احزاب حاکم در کردستان سوریه و عراق توانسته اند بخش زیادی از سرزمین این مناطق را در شمال دو کشور از لوس وجود داعش پاک کنند.

این یک دستاورد مهم برای جامعه مدنی و مردم این مناطق عمدتاً کرد نشین است که از دست اندازی داعش بر سرنوشت آنها ممانعت شده است. تا جایی که نیروهای مسلح این احزاب در کردستان سوریه و عراق در جنگ با داعش هستند جنگشان علیه داعش به نفع جامعه و مردم است. طبعاً مردم هم از این جنگ علیه داعش بی دریغ حمایت کرده اند. اما همان مردمی که حامی نیروهای مسلح علیه داعش هستند، حمایت آنها به معنی رضایت و حمایت از احزاب حاکم در این مناطق نیست. چنانچه در کردستان عراق همین مردم اعتراضات وسیعی علیه احزاب حاکم این منطقه سازمان داده اند و از آنها نفرت دارند.

البته در کردستان سوریه داستان کمی متفاوت از کردستان عراق است. زیرا احزاب حاکم در کردستان سوریه هنوز مدت زمان زیادی نیست که در حاکمیت قرار گرفته اند. ناگفته نماند پیشروی نیروهای مسلح کردستان عراق و سوریه علیه داعش علاوه بر توان رزمی و تجربه جنگی خود، اساساً با اتکا به حمایت هوایمهای جنگی آمریکا ممکن شده است. چنانچه بدون حمایت هوایمهای جنگی آمریکا کوبانی و حتی اربیل در مقابل امکانات جنگی داعش سقوطشان حتمی بنظر میرسد.

در دل چنین شرایط پیچیده و سناریوی سیاهی در دو کشور عراق و سوریه باید به سراغ بررسی طرح فدرالیستی کردن کردستان سوریه رفت. زیرا کردستان عراق از سال ۱۹۹۱ به شکل غیر رسمی و بعد از حمایت آمریکا از احزاب حاکم آنجا از سال ۲۰۰۳ تا کنون رسماً سیستم

ارتش سوریه در مقابل داعش قرار گرفته اند.

هنگامیکه تلاش آنها برای شرکت در مذاکرات صلح در ژنو بی نتیجه ماند، حزب اتحاد دموکراتیک نمایندگان جریانات و قومیتها و مذاهب این منطقه تحت کنترل خود را در یک کنفرانس و یا انظر که خودشان میگویند در یک مجلس موسسان جمع کردند و سندی را مصوب کردند به اسم "فدرالیسم دموکراتیک کردستان - شمال سوریه. در حقیقت این اقدام عکس العملی به نشست ژنو بود که نشان بدهند قدرتهای منطقه ای و جهانی نمیتوانند آنها را نادیده بگیرند.

ایسکرا: اگر ممکن است بگویید

این سیستم حکومتی چه ماهیتی دارد؟ آیا مردم این منطقه حق ندارند هر طور خواستند سیستم حکومتی خود را تعیین کنند؟

محمد آسنگران: اجازه بدهید

قبل از وارد شدن به بحث ماهیت این فدرالیسم مورد بحث تحت عنوان "فدرالیسم دموکراتیک"، بگویم که مردم این منطقه حق دارند تصمیم بگیرند هر گونه شکل حکومتی و سیستم حکومتی را برای اداره جامعه خود اعمال کنند. اما بحث من اینجا نه بر سر حق است و نه بر سر اینکه مردم چرا چنین تصمیم گرفته اند. زیرا خیلی ساده و روشن مردم تصمیم نگرفته اند. مردم کردستان سوریه و شمال سوریه در این اقدام دخالتی نداشته اند. حتی وکالت هم به کسی نداده اند. خیلی ساده به این دلیل که کسی نظر مردم را نخواست و نپرسیده است. این تصمیم بخشی از احزاب و سران گروههای قومی و مذهبی است که در مقابل نشست ژنو دست به این اقدام زده اند.

بنابراین نمایندگان این "مجلس موسسان" مورد بحث نه نمایندگان مردم بلکه نمایندگان اقوام، مذاهب و احزاب معینی بوده اند. حتی نمایندگان همه احزاب کردستان سوریه یا شمال سوریه به این مجلس دعوت نشده و حضور نداشته اند. بلکه بخشی از جریانات سیاسی و نظامی کردستان سوریه همراه نمایندگان خودگمارده اقوام و مذاهب در این مجلس حضور داشته اند. تا همین حالا چند جریان

سیاسی و حزب کردستان سوریه اعلام کرده اند که با این طرح مخالف هستند و در این مجلس هم شرکت نداشته اند. در این سطح از بحث کاری به ماهیت و سیاست آنها ندارم. اما همین نمونه نشان میدهد که این مصوبه و این مجلس موسسان نه نمایندگان مردم بوده اند و نه نمایندگان همه احزاب سیاسی. بنابر این نه دموکراتیک است نه شهروندان شمال سوریه را نمایندگی میکند. زیرا با معیارهای حتی بورژوازی در کشورهای منطقه و جهان کسانی که مشروعیت خود را از رای مردم نگرفته باشند برای اعلام سیستم حکومتی و اداره جامعه و وضع کردن قانون و... بویژه تصمیم در مورد سیستم حکومتی نماینده مردم محسوب نمیشوند.

آنچیزی که به اسم "فدرالیسم دموکراتیک" در شمال سوریه اعلام شده است با هیچ معیاری نه دموکراتیک و نه راه حلی برای مصائب مردم این منطقه است. این طرح عمدتاً پاسخی به تصمیم قدرتهای منطقه ای و جهانی است که نیروی اصلی این منطقه به اسم حزب دموکراتیک کردستان سوریه را در مذاکرات ژنو به بازی نگرفتند.

ایسکرا: با این توضیحات شما

اما هنوز یک سوال واقعی وجود دارد و آنهم این است چرا فدرالیسم؟ آیا سیستم حکومتی دیگری که بتواند راه حلی بر رفع مصائب مردم کردستان باشد و شهروندان در آن دخیل باشند وجود نداشته است؟

محمد آسنگران: راه حل وجود

داشته و دارد. اما نیرویی میخواهد که مردم را در عرصه سیاست نمایندگی کند و برای آن سازمان بدهد. بلاخره هر حزب و جریانی تلاش میکند گرایش طبقاتی حزب و جنبش خودش را در سیاست نمایندگی کند. احزابی که سیستم فدرالی را تصویب کرده اند قبل از اینکه به فکر دخالت مردم و راه حل مصائب مردم باشند به فکر تدوین راه حلی بوده اند که بتوانند قدرتهای جهانی و منطقه ای را قانع کنند که آنها را به بازی بگیرند. اگر نه خیلی سراسر راست حکومت شوراهای مردم یا جمهوری شوراهای مردم شمال کردستان میتواند راه حل عملی و با دخالت مستقیم مردم سازمان داده

شود.

حتی اعلام کشور کردستان با اتکا به دخالت مستقیم مردم از طریق یک فراندوم میتوانست یک انتخاب باشد. میدانم که هر طرحی حتی همین فدرالیسم هم تا به مرحله اجرا و رسمیت برسد موانع متعددی در مقابل خودش خواهد داشت. ممکن است حتی قدرتهای محلی و منطقه ای اجازه اجرایی شدن آنها ندهند. اما تنها ضامن هر طرح و سیاستی در چهارچوب نوع و سیستم و قوانین حکومتی دخالت مستقیم مردم و حمایت مردم از زندگی و رفاه و آزادی خود است. این طرح نه هیچکدام از این خواسته ها را پاسخ داده است و نه حتی قولی و راه حلی برای پاسخ دادن آن تعیین کرده است. حتی در این طرح برای اجرایی شدن نهایی هم نگفته است که نظر مردم را خواهند پرسید.

بنابر این بدون اینکه مردم داوطلبانه برای دفاع از دستاوردهای خود و بهتر زندگی کردن خود به میدان بیایند و دخالت مستقیم در تصویب و اجرای قوانین داشته باشند اتفاقاً شکست این طرح فدرالیسم و طرحهای این چنینی تدوین شده برای سازش با دولتهای منطقه و جهان محکوم به شکست است. همچنانکه طرح فدرالیسم کردستان عراق اکنون طرحی شکست خورده و بدون آینده است. اگر تا دیروز فقط ما به شکست سیستم فدرالی در کردستان عراق تاکید داشتیم، اکنون خود احزاب حاکم هم به آن اعتراف کرده اند.

ایسکرا: در رابطه با این

تحولات، جریانات و نیروهای سیاسی در منطقه مواضع متفاوتی در قبال روند اوضاع در کردستان سوریه اتخاذ کرده اند. جریانات و نیروهایی هستند که از این تصمیم حمایت میکنند. هستند نیروهایی هم که با آن مخالف هستند. این نیروها (چه در قامت دولتها و چه در قامت احزاب سیاسی) را چگونه میتوان برشمرد؟ آیا این حاکمیت فدرال قابل حمایت است؟ آیا باید در مقابل آن مخالفت کرد؟ نظر شما چیست؟ بطور مشخص گفته میشود این حکومت از سوی "کردها، عربها، ترکمنها و کریستیانها" اعلام شده است. ابتدا بگویید که

از صفحه ۲ **فدار الیسم کردستان سوریه**

خصلت سیاسی، اجتماعی و طبقاتی این نیروها تحت این اسامی چگونه قابل توضیح است؟

محمد آسنگران: متاسفانه این

نوع دولت سازی و حکومت‌های قومی، ملی، مذهبی که معروف به دولتهای موزائیکی است تحفه قرن بیست و یکمی آمریکا و غرب برای کشورهای منطقه است. دولت عراق و لبنان و یمن و افغانستان و... را با این سیاست سازمان دادند و اکنون وضع و حالشان را میبینیم که چه به روزگار مردم و جوامع مورد بحث آورده اند.

حزب حاکم کردستان سوریه حزبی قومی و ناسیونالیست است بویژه بر اساس تئوریهای اوجلان بخشا به سیستمها و فرهنگ ماقبل سرمایه داری رجوع کرده است. این نوع سیاست و سیستم حکومتی بر خلاف دستاوردهای انقلاب فرانسه برای استحکام و مشروعیت خود به شهروند رجوع نمیکنند. فرد و شهروند و سیویل کنار گذاشته شده و به اعتقادات گروهی مذهبی و تعلق قومی و ملی مردم رجوع کرده است. به همین دلیل از نظر آنها دخالت دادن نمایندگان اقوام و مذاهب میشود دمکراتیک! همچنانکه اوجلان در کتاب خود عاشق دهقان و مادر بزرگ بشور-بیز و کاردستیهای عهد عتیق و کوه و کشاورزی به سبک قدیم است. سیستم حکومتی و میانی مشروعیت فدرالیسم دمکراتیک هم مبنا و رجوعش به شهروند نبوده و حتی در همین سند برای مشروعیت دادن به خود قرار نیست بعدا هم فراندومی صورت بگیرد و شهروندان دخیل بشوند. از نظر آنها تعریف دمکراتیک هم این است که نمایندگان خود گمارده اقوام مذاهب و ملیتها برای مردم تصمیم بگیرند.

از این هم آشکار تر در کشوری که جریانات اسلامی سناریوی سیاهی به آن تحمیل کرده اند و صدها هزار نفر کشته و زخمی و میلیونها نفر آواره شده اند و کل شهرها به ویرانه تبدیل شده اند در اولین سند مصوب فدرالیسمشان نگفته اند حکومتی سکولار سازمان میدهند و مذهب جایی در قوانینشان ندارد. یا جدایی مذهب از

دولت و قوانین و قضاوت را مسکوت گذاشته اند. به همین دلیل حتی به داعش نمیگویند تروریستهای اسلامی، آنها را چته و راهزن خطاب میکنند که نکنند به قیای اسلام و اسلامیها بریخورد.

نکته بسیار مهم دیگری هم که در این سند قید و تاکید شده است تعهد به حفظ تمامیت ارضی سوریه است. در حالیکه تمامیت ارضی سوریه بر اساس توافق نامه سایکس پیکو از خیلی وقت پیش بی اعتبار شده ونباید کسی خود را به آن متعهد بدانند. اگر مردم کردستان سوریه در يك فراندوم بخواهند تصمیم بگیرند که دولت مستقل خودشان را داشته باشند با این سند حزب اتحاد دمکراتیک باید در مقابل مردم قرار بگیرد.

در حالیکه این حق مردم کردستان است که برای ماندن در چهارچوبهای کشوری موجود یا جدا شدن و تشکیل دولت مستقل تصمیم بگیرند.

مخالفت دولتهای منطقه و قدرتهای جهانی در مقابل فدرالی اعلام کردن کردستان سوریه هم بر اساس همین تئوریهای ارتجاعی حفظ تمامیت ارضی سوریه اعلام شده است. مخالفت جریانات ارتجاعی سلامی در ژنو که خود را جانشین اسد فرض کرده اند، همانند اسد و دولتش میخواهند تمامیت ارضی سوریه را با حاکمیت خودشان و نادیده گرفتن حقوق مردم حفظ کنند. تمامیت ارضی سوریه و بسیاری از کشورهای منطقه از صد سال پیش با قرار داد سایکس پیکو موضوعیت پیدا کرده است. از نظر من و بسیاری از صاحب نظران سیاست در منطقه توافق نامه سایکس پیکو عمرش به سر رسیده و مردم کردستان در هیچ بخشی نباید آن قرار داد را رعایت کنند.

ما اکنون در دوره و زمان دیگری بسر میبریم و بعد از صد سال که از عمر این قرار داد میگذرد مردم کردستان نمیتوانند مصائب و سرکوبگریها و بی حقوقیهای دولتهای حاکم منطقه که در دفاع از آن قرار داد ایستاده اند را از یاد ببرند. این قرار داد را يك بار برای همیشه باید به زباله دان تاریخ انداخت.

اما موافقین طرح فدرالی شدن شمال سوریه عمدتا بخشی از جریانات ناسیونالیست منطقه و جریاناتی از چپ بوده اند، که مبنایشان ملیت و قومیت است نه حقوق مردم در قرن بیست و یکم.

ایسکرا: تا کنون مخالفت و

موافقتهایی در مورد طرح فدرالی کردن کردستان سوریه منتشر شده است ارزیابی شما از سیاست جریانات چپ چگونه است؟

محمد آسنگران: متاسفانه

دولتها و جریانات اسلامی تروریست جامعه را چنان به قهقرا سوق داده اند که اکثر چپها در بهترین حالت میخوانند قاچ زین را بچسبند. میگویم در بهترین حالت اگر نه بسیاری از آنها چنان توهمات عجیبی پیدا کرده بودند، ادعا میکردند در کردستان سوریه حکومت شورای، دمکراتیک، و حتی نوعی سوسیالیسم برقرار است. این چپ به دلیل پیشینه سنتی و ملی اش سر از پا نمیشناخت و مستقیم و غیر مستقیم دنباله سیاستهای اوجلان شده بود. اکنون با تحولات اخیر و آشکار شدن ماهیت ناسیونالیستی و عقب مانده جریانات حاکم در کردستان سوریه اگر حداقل شهادت و صداقتی داشته باشد آن گذشته را به نقد میکشند. زیرا بسیاری از آنها در بهترین حالت متوهم و خیالپرداز بودند. بدون سند و بدون اطلاع دقیق به صرف احساس جنبشی اشان اعلام کردند که کمون پاریس دیگری در جریان است.

هر بخشی از این چپ اگر به نقد خودش برسد، (هر چند من بعید میدانم زیرا جریانات سنتی در بهترین حالت سرشان را پایین میندازند که این باد هم بگذرد و بروی مبارکشان نمی آورند) میتوان سیاستهای کم عمق و نخراشیده آنها را به حساب سطحی نگریشان گذاشت. اگر نه این چپ امروز با اعلام فدرالیسم در کردستان سوریه باز هم توجهگر آن میشود و پرت بودن و بی افق بود و تعلق جنبشی خودش را بیش از پیش تشبیت

میکند. این چپ ملی مشکلس البته این است که فقط تحولات روز را میبیند و ناتوانی خودش را مبنا میگیرد. اینکه در جامعه طبقات و جنبشها و سنتهای سیاسی و احزاب سیاسی نقش دارند و جنبشها پایدارتر از آن هستند که با يك تحول و سند و سیاست ماهیت آنها تغییر بکند و... در سیستم این چپ سنتی جایگاهی ندارد.

ایسکرا: با توجه به توضیحاتی

که دادید بطور خلاصه و بنظر شما موضع درست در قبال حکومت اعلام شده فدرالی در کردستان سوریه چگونه باید باشد؟

محمد آسنگران: ببینید

فدرالیسم و خود مختاری و خودگردانی در چهار چوب هر کشوری مانند قرار داد شرکت در يك اقدام مشترک است با طرفهای دوم و سوم و... و یا مثل ازدوج دو نفر است. زیرا دو یا چند طرف میخواهند در يك کشور با شراکت با هم و در کنار هم زندگی کنند. این چنین قرداد و سیستمی نمیتواند يك جانبه باشد. با کسی که میخواهد شریک باشید اگر يك طرفه اقدام کنید شراکت بی معنی است. راه حل يك طرفه این است که از همدیگر جدا بشوید. اگر در کردستان سوریه این سند اخیر تصمیم به جدایی گرفته بود من جز کسانی میبودم که از آن دفاع میکردم. چون آنها حق مردم و احزاب این منطقه میدانم که چنین کاری نکنند. البته در این مورد هم بدون رجوع به آرا مردم و فراندوم از مردم باز هم همان اشکال کنونی این طرح را پیدا میکردم. بنابر این فرض من این است در هر حال رجوع به آرا مردم و تصمیم شهروندان اصل پایه ای خدشه ناپذیری است که در هیچ شرایطی نباید زیر سوال برود و یا نادیده گرفته شود.

این طرحی است که از بالای سر مردم و بدون دخالت مردم اعلام شده است. به همین دلیل بی اعتبار است. ماهیت بندهای آن بشدت عقب مانده و غیر سکولار است و

مشروعیتی ندارد. زیرا هیچ بخشی از مردم در تدوین آن و در تعیین نمایندگان این مجلس موسسان دخالت نداشته اند. هیچ اشاره ای به حق آزادیهای فردی و مدنی و برابری انسانها به عنوان شهروند و حکومت غیر مذهبی و حق زندگی آزاد و مرفه و... در آن نیست. علاوه بر این سیستم فدرالی مورد بحث در کردستان سوریه حتی اگر به فرض محال فکر کنیم مثل کردستان عراق میشود باز هم بعد از سالها کش و قوس باید به جایی برسند که بگویند برای استقلال باید به آرا مردم رجوع کرد و فراندوم انجام داد. علاوه بر اینها این طرح اساسا طرحی است که برای راضی کردن دل دولتهای منطقه و رقبای سیاسی حزب اتحاد دمکراتیک طراحی شده است.

با توجه به همه نکات فوق من این طرح را نه تنها قابل دفاع نمیدانم بلکه آنها به نسبت حقوق شهروندی و جامعه سویل که بعد از انقلاب فرانسه تا کنون به عنوان بخشی از حقوق جدایی ناپذیر مردم رسمیت یافته است ارتجاعی میدانم. سرنوشت این طرح حتی مانند فدرالیسم کردستان عراق نخواهد شد. زیرا در کشوری که این سند مدعی حفظ تمامیت ارضی آن است در بقیه این ارض نیروهای سیاسی و دولت مرکزی توافقی با آن ندارند و یا حتی قانونا به آنها تحمیل نشده است.

من راه حل دردهای ستم ملی مردم کردستان و حل مسئله ملی کرد را در مراجعه به آرا مردم میدانم. تا هنگامیکه مردم این مناطق آزادانه در يك فراندوم به جدایی یا ماندن در چهارچوبهای کنونی رای نداده اند این زخم همچنان باقی خواهد ماند. در شرایط کنونی استقلال کردستان عراق و کردستان سوریه و تشکیل يك دولت از این دویخش مناسبترین و کم دردمرستین سیاستی است که میتواند سرنوشت آینده مردم این منطقه را در جهت درستی قرار بدهد.

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**

نگاه هفته: مجموعه اخبار و رویدادهای هفته از شهرهای کردستان



عدم پرداخت حقوق ۱۲۵۰ کارگر شهرداری کرمانشاه!

۱۲۵۰ کارگر روزمزد شهرداری کرمانشاه در انتظار دریافت حقوق خود در روزهای پایانی سال هستند. متأسفانه برخی نهادها و دستگاه‌ها هنوز حقوق کارکنان خود را پرداخت نکرده‌اند.

مرگ کولبر اهل نوده!

بر اساس خبر دریافتی روز دوشنبه دوم فروردین ماه ۱۳۹۵ ساعت یک باامداد یکی دیگر از کولبران در کردستان دچار حادثه شد و جان خود را از دست داد. رستم رستمیان ۴۲ ساله، متاهل و دارای دو فرزند و اهل نوده از توابع شهرستان پاوه بود. ایشان در اثر شرایط نامساعد آب و هوایی و سختی راه و همچنین استرس‌های وارده از طرف نیروهای انتظامی و مرزبانی دچار سکت قلبی شد و در اثر پرت شدن از یک تپه، جان خود را از دست داد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ۲ فروردین ۱۳۹۵

برگزاری مراسم عید نوروز توسط خانواده‌های کارگری در شهر سنندج!

به گزارش رسیده در آخرین روز سال ۹۴ مراسم عید نوروز در سنندج برگزار شد. این مراسم که از قبل توسط فعالین کارگری و مدنی و گروه‌های کوهنوردی برنامه‌ریزی شده بود در ساعت ۲ بعد از ظهر در مکان تعیین شده در جاده قدیم مریوان شروع شد. مراسم با خوشامدگویی برگزار کنندگان جشن به زبان‌های کردی و فارسی آغاز که با استقبال گرم شرکت‌کنندگان روبرو شد. در ادامه مردم حاضر در مراسم به رقص و پایکوبی پرداختند. یکی از سنت‌های کهن این منطقه روشن کردن آتش در مراسم برگزاری جشن

دیدار جمعی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی با مادر جلیل محمدی!

بر اساس گزارش رسیده، روز یکشنبه ۲۳ اسفند ماه جمعی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی با خانواده جلیل محمدی، فعال کارگری که در آستانه هشت مارس روز جهانی زن، در روز ۱۷ اسفند ماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود دیدار داشتند. در این دیدار حاضرین با مادر جلیل محمدی به گفتگو پرداختند و بر حقانیت فعالیت‌های جلیل محمدی پای فشاری کردند و عنوان شد که فعالیت‌های جلیل محمدی چیزی نیست جز دفاع از مطالبات به حق کارگران. در ادامه این دیدار حاضرین حمایت خود را از جلیل محمدی و خانواده او اعلام داشتند. همچنین بر اساس آخرین گزارش دریافت شده هم‌اکنون جلیل محمدی در بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج تحت بازجویی می‌باشد. ما اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن محکوم کردن این بازداشت، خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط این فعال کارگری و دیگر کارگران بازداشتی هستیم.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ۲۳ اسفند ۱۳۹۴

مخالفت ماموران زندان با مداوای محمد نظری

مسئولان زندان رجایی‌شهر کرج با مداوای درمان بیماری محمد نظری که ۲۲ سال گذشته را در حبس بسر برده، مخالفت می‌کنند. مخالفت با درخواست زندانی سیاسی توسط دستگاه قضایی می‌باشد.

نوروز است که در این جشن نیز مردم با روشن کردن آتشی بزرگ و حلقه زدن به دور آن به رقص و پایکوبی پرداختند. مراسم در میان شادی و سرور مردم و با صمیمیتی کم‌نظیر در ساعت ۷ به پایان رسید. نکته بارز این جشن احساس مسئولیت و دخالت‌گری تمامی حاضرین در این شادی و سرور بود. در این مراسم حدود ۵۰۰۰ نفر از مردم حضور داشتند و حضور مردم به حدی بود که باعث ترافیک چندین ساعته در مسیر سنندج به مریوان شد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری اول فروردین ۱۳۹۵

قیمت جان یک انسان کولبر ۲۰۰ هزار تومان است!

اگر بتوان آن دسته از نویسندگان بزرگ قرن بیستم را که از رنج طبقه کارگر قلم زده‌اند، دوباره زنده کرد، نمی‌دانم کدام بخش از زندگی فلاکت‌بار "کولبران" را به رشته تحریر در خواهند آوردند! جامعه ما بر حسب عادت، برای قشر کارگر تنها ترحم می‌خرد. اما من به دنبال برانگیختن حس ترحم شما نیستم؛ فقط می‌خواهم از این طریق نمونه‌ای از روش‌های تولید سرمایه و شیوه کار کارگران را نشان دهم. بالغ بر چندین هزار نفر در شهرها و روستاهای مرزی - بلاخص در منطقه کردستان - از سر ناچاری به شغلی روی آورده‌اند که اقتصاد و جامعه‌شناسی هیچ اشاره‌ای به آن نمی‌کند. "کولبر" به کسی گفته می‌شود که چند ده کیلو بار را روی کولش به دوش می‌گیرد، با پای پیاده چندین کیلومتر از کوه و دشت می‌گذراند و از مرز رد می‌کند. هیچ نهاد و سازمانی، وجود این افراد را به

رسمیت نمی‌شناسد. در این پیشه نه تنها از حداقل دستمزد، بیمه، بازنشستگی و... خبری نیست، بلکه امنیت جانی هم صفر است و حتی این عمل جرم هم محسوب می‌شود؛ اما در نهایت سود هنگفتی به جیب سرمایه‌دار و صاحب‌مال می‌رود. کولبران همواره تحت تعقیب نیروهای انتظامی قرار گرفته، مورد ضرب و شتم واقع می‌شوند و هدف گلوله نیروهای مرزی قرار می‌گیرند. بعلاوه مین‌های باقی‌مانده از دوران جنگ و مین‌گذاری‌های مرزی، جان‌شان را گرفته و ناقص‌شان می‌کند. تنها دارایی کولبر بدن اوست، تنها چیزی که به او توان حمل بار و امرار معاش می‌دهد.

اما واقعیت این است که اسکلت بندی و عضلات بدن انسان نمی‌تواند هر روز و در دراز مدت فشار چندین وزنی را در مسافت‌های طولانی تحمل کند، از همین رو انسان از هزاران سال پیش حیواناتی تنومند را برای حمل بارهای سنگین به کار می‌گرفته؛ البته در جوامع امروزی که وسایل پیش‌رفته حمل و نقل توسعه پیدا کرده‌اند، حتی استفاده از چارپایان نیز چندان رایج نیست. اما امروز به جایی رسیده‌ایم که قیمت یک اسب خوب در بازار ایران ۱۰ میلیون تومان و قیمت جان یک انسان کولبر ۲۰۰ هزار تومان است! بله، در همین جوامع به اصطلاح پیشرفته، منزلت انسان چنین پایین آمده که قانون تولید و سرمایه، "ابزاری انسانی" را با قیمتی پایین‌تر از حیوان می‌خرد! حال باید پرسید چرا؟ دلیل اصلی رواج این مساله در مناطق مرزی چیست؟ کوتاه‌ترین پاسخ، رشد و توسعه ناموزن در نظام سرمایه‌داری است.

سیستمی که در آن افزایش ثروت در یک منطقه به معنای فقر و ننگون بختی در مناطق دیگر است. توسعه ناموزن یعنی ثروت انباشته شده در یکجا، و نتیجتاً محرومیت در جای دیگر؛ دلیل اصلی فراموشی مناطق مرزی همین است.

این امر باعث سقوط پیوسته و هر چه بیشتر معاش ساکنان این مناطق می‌شود. کولبران هر روز دل به کوه می‌زنند، اما در طول هر ماه عده‌ای زخمی و ناقص به خانه باز گشته، و ده‌ها نفر هرگز باز نمی‌گردند. آن‌ها به سادگی و در سکوت خبری در مرزها کشته و زخمی شوند، و هیچ رسانه‌ای نامی از ایشان نمی‌برد. طبق آخرین آمار، تنها در سال ۹۳ فقط در کردستان ایران ۳۷ کولبر با تیراندازی نیروهای مرزی کشته و ۴۲ نفر دیگر زخمی شده‌اند. سن کولبران کشته شده از ۱۳ الی ۶۰ سال اعلام شده و احتمالاً "زنانی هم در میان‌شان بوده‌اند. اما فاجعه تنها به از دست رفتن جان کولبر ختم نمی‌شود، تبعات این مرگ‌ها و نقص عضو، همسران و فرزندان و اطرافیان را تحت الشعاع قرار داده و آنان را بیش از پیش تحت فشار معیشتی و روانی گذاشته و روز از نو، روزی از نو... مدتی است خبر اعدام شدن تمام مردان یک روستا در سیستان و بلوچستان، به جرم قاچاق مواد مخدر، دست به دست می‌شود؛ دور نیست زمانی که خبری مشابه از کردستان بشنومیم، تنها با این تفاوت که این بار آن‌ها هنگام کولبری کشته شده‌اند.

نوشته: شلیبر

از صفحه فیسبوک نشریه ایسکرا دیدن کنید

<https://www.facebook.com/iskara.wpi/>



از صفحه ۱

حضور جنایتکارانه جمهوری اسلامی ..

شهر سنندج نصب شده‌اند. استفاده از ماهواره در ایران ممنوع است و نیروی انتظامی شهرهای مختلف، در مقاطع زمانی متعدد، عملیات‌های مختلفی را برای جمع‌آوری تجهیزات دریافت ماهواره از منازل مردم انجام می‌دهد. ارسال پارازیت بر روی ماهواره‌ها با هدف جلوگیری از دریافت برنامه‌ها توسط مردم نیز در تمام سال‌های اخیر بخش دیگری از برنامه جمهوری اسلامی بوده است. درباره تأثیرات جانبی پارازیت‌ها، تاکنون گزارش‌های زیادی در ایران منتشر شده است. تحقیقات صورت گرفته نشان داده است؛ قرار گرفتن در معرض اشعه و پارازیت، تا ۳۰ برابر خطر تولد نوزاد معلول و عقب مانده ذهنی را افزایش می‌دهد. ناباروری و اثر گذاری بر روی سیستم عصبی از جمله مهم‌ترین اثرات زیان بار پارازیت بر روی شهروندان می‌باشد.

۳۸ مورد اعدام، سیروان نژواری و بهروز آخانی از جمله زندانیان سیاسی هستند که در زندان‌های تبریز و ارومیه اعدام شدند. احکام اعدام ۳ زندانی سیاسی دیگر بنام‌های دیاکو رسول‌زاده، صابر شیخ عبدالله و حسین عثمانی نیز در این سال صادر شده است. هم‌اکنون ۲۳ زندانی سیاسی محکوم به اعدام در زندان‌های ایران وجود دارند. همچنین ۲ نوجوان به نام‌های همین اورامی و آسو سهرابی به اتهام قتل به اعدام محکوم شده‌اند. طبق گزارشات انتشار یافته، حداقل ۴ زندانی که در سنین نوجوانی و زیر هیجده سال بازداشت و به اعدام محکوم شده‌اند، در زندان سنندج محبوس هستند.

در سال ۱۳۹۴، ۱۲ زندانی سیاسی به دنبال برخورد نامناسب مسئولین زندان، وضعیت وخیم جسمانی و عدم رسیدگی پزشکی دست به اعتصاب غذا زده‌اند. همچنین ۵۷ زندانی سیاسی دیگر نیز در وضعیت وخیم جسمانی و تحت فشار قرار دارند. نا امنی جانی هزاران کارگر بیکار که به کار "کولبری" مشغولند در سال ۹۴ ادامه داشته است. بخشی از امرار معاش کارگران بیکار در شهر و روستاهای کردستان از طریق کولبری تامین می‌شود. در این سال ۵۲ کولبر با شلیک مستقیم نیرهای امنیتی جمهوری اسلامی جان خود را از دست داده‌اند. ۲ کولبر بر اثر انفجار مین کشته شده‌اند، و پنج کولبر بر اثر سقوط از قاطر، کوه و غرق شدن در آب جانباخته‌اند. مرگ ۷۳ نفر توسط نیروهای انتظامی بر اثر شلیک مستقیم در خیابان و جاده‌ها، واژگونی ماشین و تعقیب‌های امنیتی نیروهای نظامی جان خود را از دست داده‌اند.



مورد، شرکت مردم سنندج در حمایت از مردم کردستان ترکیه در مقابل ارتش با ۲۱ مورد و شرکت معلمان در تحصن‌های سراسری معلمان با ۳۲ مورد بیشترین تعداد بازداشت‌ها را شامل می‌شود. همچنین در پی اعتصاب سراسری معلمان ۶۸ تن به اداره اطلاعات احضار شده‌اند. اعتراضات دانشجویی به دنبال توافق هسته‌ای ایران و اعتراض به وضعیت نامناسب کشور همچنین ۱۰ دانشجو را بصورت گروهی به اداره اطلاعات کشانده است.

سازمان عفو بین‌الملل در تازه‌ترین گزارش خود در سال گذشته میلادی (۲۰۱۵) گفته است، جمهوری اسلامی به "ایجاد محدودیت شدید در زمینه آزادی بیان یا تجمعات" ادامه داده‌اند. طبق آمار ۶۳ نفر نیز با اتهامات سیاسی "امنیتی"، توسط دادگاه‌های انقلاب حکومت اسلامی ایران به ۱۱ سال و ۹ ماه و ۹ روز زندان، ۲۸۳ ضربه شلاق و ۴۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شده‌اند. (۱۱ فعال فرهنگی که ۷ دانشجو، ۱ روزنامه‌نگار، ۱ کارگردان، ۲ فعال حقوق کودک و ۲ زن، معلم را شامل گشته است

— زندانی سیاسی — ۳ فعال سیاسی - ۱۰ فعال کارگری - ۳ فعال اهل سنت - ۵ کولبر -). تمام این افراد به اتهاماتی نظیر "اقدام علیه امنیت ملی" و "تبلیغ علیه نظام" متهم شده‌اند. همچنین پلیس جمهوری اسلامی در گزارش سالانه فعالیت مرزبانان برای نخستین بار بصورت رسمی از بازداشت ۱۱۰ شهروند در کردستان ایران تحت عنوان "ضد انقلاب" خبر داده است.

جمهوری اسلامی روی دریایی از نارضایتی و تنفر با بکارگیری ماشین کشتار و ایجاد فضای امنیتی، حضور جنایتکارانه و ضد انقلابی‌اش را حفظ کرده است.

سرنوشتی و پاکسازی حضور جمهوری اسلامی در گرو بمیدان آمدن مردم و گسترش نارضایتی‌های توده‌ای در شهرهای کردستان و در سراسر کشور است. این نظام سراپا قتل و جنایت را باید سرنوشت کرد!

۳ فروردین ۹۵

از صفحه ۱ تو دهنی مردم ایران به ..

هر نوع شادی و جشنی از جمله چهارشنبه سوری و نوروز را مانع شوند اما حریف مردم بخصوص جوانان نشدند که نشدند، بلاجبار ناچار شدند "نرمش قهرمانانه" نشان دهند و تسلیم شدند. اما امسال از ترفندی دیگر به نام توصیه شرعی و اسلامی به میدان آمدند که این ترفند هم توسط مردم به شکست کشیده شد.

سران حکومت اسلامی از خامنه‌ای ولی فقیه حکومت گرفته تا امامان جماعت و دیگر آخوندهای ریز و درشت این حکومت قرون وسطایی کفش و کلاه کردند و عمامه شان را سفت تر بستند و گلو پاره کردند که چهارشنبه سوری و نوروز اساس شرعی ندارد و مردم نباید جشن شادی برگزار کنند. در این زمینه هم در گل گیر کردند و تودهنی

از صفحه ۱ پنج سندیکای فرانسه ...

عمومی» و «تبلیغ علیه آموزش ملی» مجرم شناخته شد. سه عضو دیگر انجمن صنفی معلمان، محمود بهشتی لنگرودی، محمدرضا نیک نژاد و مهدی بهلولی به اتهام شرکت در فعالیت‌های صنفی هر یک به ۵ سال زندان محکوم شدند. فهرست فعالان سندیکائی که از آغاز سال ۲۰۱۶ محکوم شده‌اند، مرتباً طولانی تر می‌شود. از جمله آن‌ها: علی امیرقلی (محکوم به ۲۱ سال زندان)، آرش صادقی (۱۹ سال)، محمود صالحی (۹ سال)، گلرخ ابراهیمی (۶ سال)، جعفر عظیم زاده (۶ سال)، بهمن موسوند (یک سال)، نوید کامران (۱)، عثمان اسماعیلی (۱ سال).

این خبرها حکایت از واقعیت دشوار وضعیت شرایط کار در ایران دارند. به رغم ادعای «اعتدال»، دولت روحانی نشان داده که جمهوری اسلامی تعهدات

خود در چارچوب توافق نامه‌های بین‌المللی سازمان جهانی کار، که حق کارگران ایران را در ایجاد تشکلات مستقل به رسمیت می‌شناسد، مراعات نمی‌کند.

ما، سندیکاهای فرانسه، امضاء کنندگان این اطلاعیه خواستار لغو محکومیت‌های غیرعادلانه و مغایر با آزادی‌ها و حقوق اساسی بوده و نیز آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالان دربند که به خاطر فعالیت‌های سندیکائی و دفاع از حقوق به حق مزدبگیران زندانی شده‌اند، را خواستاریم.

پاریس، ۱۷ مارس ۲۰۱۶
CFDT : preau@cfdt.fr
CGT : n.ferouse@cgt.fr
FSU : michelle.olivier@snuipp.fr
Solidaires : contact@solidaires.org
UNSA : emilie.trigo@unsa.org

برگرفته از سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران

کادربندی آزاد باید کرد

www.hekmat-public-archive.net
www.wpiran.org

از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...

حد و حصر به اکثریت مردم کردستان است. این حزب در سال گذشته قلدرمنشانه رئیس پارلمان و چهار نماینده آنرا بدلیل اختلافاتشان از کار برکنار کرد و از ورود آنها به پارلمان جلوگیری کرد، رئیس این حزب مسعود بارزانی با وجود اتمام وقت ریاستش بر اقلیم کردستان از ماه آگوست سال گذشته تا هم اکنون حاضر به ترك كرسی ریاست نیست. حزب دمکرات یکی از احزاب اصلی در تحمیل فقر و فلاکت، بی حقوقی و سرکوب به اکثریت مردم کردستان است و تجربه ۲۴ سال حاکمیت اینها نشان داده که نه اختلافات و نه سازش اینها کوچکترین ربطی به منافع اکثریت مردم کارکن آن جامعه ندارد.

اظهارات استاندار کرکوک در باره فرماندم برای جدائی کوردستان!

هفته گذشته نجم الدین کریم استاندار شهر نفت خیز کرکوک در باره امکان برگزاری فرماندم از مردم اقلیم کردستان برای جدایی و تشکیل دولت مستقل می گوید " اگر در کردستان فرماندم انجام شود، آنگاه لازم است که شهر کرکوک را هم شامل شود، ولی باید کرکوک جایگاه ویژه ای داشته باشد". لازم به ذکر است که بخشی از احزاب حاکم و از جمله مسعود بارزانی هر از گاهی از برگزاری فرماندم برای تشکیل دولت مستقل صحبت می کنند و این در حالیست که بر سر بسیاری از مناطق و از جمله شهر کرکوک که مردم منتصب به ملیت‌های مختلف کرد، ترک و عرب در آن زندگی می کنند بحث‌های وجود دارد و یا حتی ممکن است جنک‌های قومی خونینی رخ دهد. بهر حال هر چه هست احزاب حاکم و از جمله شخص مسعود بارزانی که در پیام نوروزی امسال نیز بر جدایی تاکید کرد، فرماندم و جدایی را حداقل تا هم اکنون تنها بعنوان برگ برنده ای در رابطه با مذاکره با دولت مرکزی و حتی کشورهای همسایه بکار گرفته و گهگاهی هم می خواهند برای لاپوشانی آمار و ارقام دزدی و چپاولهای خود و بعد از ۲۴ سال

بخش مستقیم تلویزیون کانال ان ار تی حمله کردند و ماشین و دستگاه‌های بخش مستقیم را آتش زدند. بر اساس اخبار منتشر شده در این درگیریها دهها نفر زخمی شدند و بیش از یک میلیون دلار خسارت به برگزار کنندگان مراسم نوروزی و کانال تلویزیونی ان ار تی وارد شده. در این رابطه گفته می شود که تعدادی دستگیری شده اند، اما جدا از اظهارات مقامات رسمی و برگزار کنندگان، تا هم اکنون هیچ اخبار مستقلی در مورد چگونگی این اتفاقات و حمله به برگزار کنندگان و خبرنگاران ان ار تی منتشر نشده است.

دزدی و چپاول مقامات احزاب حاکم حد و مرز را نمی شناسد!

بر اساس اخبار منتشر شده و به گفته یکی از شهروندان شهر سلیمانیه به اسم محمد یونس صالح روز شنبه ۱۹ مارس یکی از مقامات اتحادیه میهنی با سازمان دادن چند نفر به این شهروند حمله می کنند و بطرز بسیار وحشیانه ای وی را کتک کاری می کنند. این شهروند که با سر و صورتی کبود شده با یکی از کانالهای تلویزیونی مصاحبه می کرد می گوید، قبلا شرکتی داشته و یکی از اقوام رمضان دیکونی که یکی از فرماندهان اتحادیه میهنی می باشد مبلغ یک میلیون و ۵۰ هزار دلار را بالا کشید و بعد از ماهها تلاشم بالاخره دادگاه به نفع من رای داد و قرار بود ۶۰۰ هزار دلار را به من برگردانند، اما اینها با قلدری و اتکا به این مسئول اتحادیه میهنی نه تنها پولم را پس نمی دهند، بلکه همچنان که از سر و صورتم پیداست روز ۱۹ مارس به من حمله کردند. لازم به ذکر که در حکومت ملیشیائی احزاب حاکم بر اقلیم کردستان، جدا از دزدیهای رسمی و غیر رسمی، مقامات احزاب حاکم بارها علنی و در روز روشن و یا با تکیه بر پارتی بازیهای درون این سیستم عشیره ای نه تنها اموال شهروندان عادی را به نفع خود ضبط و مصادره می کنند، بلکه دست به ترور و ارباب و ربودن نیز می زنند.

حاکمیت باز هم خود را برای دوره دیگری بعنوان ناجی مردم کردستان نشان دهند، وگرنه اینها با و یا بی فرماندم ۲۴ سال است حاکمیت کامل این مناطق را در دست دارند و اگر می خواستند به نفع مردم کاری انجام دهند، لابد تا هم اکنون انجام داده بودند، اما کارنامه احزاب حاکم چنان با سرکوب، دزدی و چپاول عجیب است که بسیاری از مردم می گویند، حاکمیت صدام بسیار بهتر از اینها بود.

افشای میلیاردها دلار دزدی از فروش پول نفت!

روز ۲۰ مارس علی محمد صالح یکی از اعضای پارلمان اقلیم کردستان با انتشار بیانیه ای لیست پولهای گم شده وزارت دارائی اقلیم کردستان را منتشر کرد و اعلام کرد که میلیاردها دلار از پول فروش نفت و در آمد حکومت اقلیم کردستان ناپدید شده. در قسمتی از لیست طولانی پولهای ناپدید شده و یا ناروشن آمده است " مبلغ چهار میلیارد و ۹۵۳ هزار دلار از فروش نفت خام، مبلغ سه میلیارد و ۸۴۵ میلیون و ۸۹۳ هزار دلار از پول شیرینی قراردادهای نفتی در اقلیم کردستان".

دزدی و چپاول احزاب حاکم بر اقلیم کردستان چنان این جامعه را به قهقرا برده که هم اکنون با وجود درآمدهای بسیار هنگفت از فروش پول نفت، اما نه تنها اکثریت مردم کردستان در فقر و فلاکت زندگی می کنند، بلکه این حکومت ماهها است حقوق کارمندان دولت را پرداخت نکرده و در ماههای گذشته ما بارها شاهد اعتراضات گسترده مردم علیه حاکمین دزد و چپاولگر بودیم.

دهها نفر در جشن نوروزی شهر سلیمانیه زخمی شدند!

روز یکشنبه ۲۰ مارس در حالی که دهها هزار نفر از مردم شهر سلیمانیه برای برگزاری مراسم نوروز به پارک شهر بازی این شهر به اسم " چاوفی لاند" رفته بودند تعدادی از جوانان و در هنگام بخش مستقیم مراسم به یکی از ایستگاه های

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۰۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
۹۰۰ Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید می‌توانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
سیامک بهاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E- mail: abdulgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!